

An In-Depth Overview of the Head Covers or Hats of the People In the Fresco Paintings of Mahdi Quli Beq Bathhouse

By Samana Sabūri Mihr¹, Reza Tūsiān Shāndīz²

Abstract:

Mahdi Quli Beq Bathhouse or Shah Bath is located in the city of Mashhad in the vicinity of the holy shrine of Imam Reza (AS). The fresco paintings on the ceilings of the Sarbina in this bathhouse, which is one of the oldest and most valuable historic buildings of the Safavid period, have epic, folkloric and anecdotal stories to tell. These murals were painted during the Safavid to Qajar Periods and underwent a change in Pahlavi Period. The question in the present article is what the head covers or hats of the people in the paintings were like and how this item of clothing changed and evolved through time. The research has been done using a historical-descriptive-analytical method. The results of this research suggest that the head covers in the frescos do not correspond to the time period of the stories and as we approach the new era, head covers and hats have been more accurately selected. This may be due to the lack of visual knowledge of the painters of the frescos.

Keywords:

head cover, hat, fresco paintings, Mahdi Quli Beq Bathhouse.

1. MA Student in Art Research, Faculty of Art and Architecture, Payam-e Noor University (PNU) of Tehran
samanesaboorimehr@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Art, Payam-e Noor University (PNU) of Tehran, Iran
r.tousia@pnu.ac.ir



نگاهی تحلیلی به پوشش سر و کلاه‌ها در دیوارنگاره‌های حمام مهدی قلی بیگ مشهد

سمانه صبوری مهر، غلامرضا طوسی‌ان شان‌دیز^۱

۱ چکیده

حمام مهدی قلی بیگ یا حمام شاه در شهر مشهد نزدیک حرم مطهر امام رضا علیه السلام قرار دارد. دیوارنگاره‌های سربینه این حمام که یکی از قدیمی‌ترین و با ارزش‌ترین حمام‌های تاریخی دوره صفوی است، حاوی داستان‌های حماسی و عامیانه و روایی می‌باشد. این دیوارنگاره‌ها عمدتاً از دوره صفوی تا قاجار اجرا و بعد از آن در دوره پهلوی شامل تغییراتی شده است. پرسش مقاله حاضر این است که پوشش سر و کلاه در موضوعات دیوارنگاره‌های این بنا چه بوده و سیر تغییر و تحول این پوشش چگونه بوده است؟ پژوهش به روش تاریخی - توصیفی - تحلیلی انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که پوشش سر، در نگاره‌ها براساس دوره زمانی مربوط به داستان‌ها انتخاب نشده است، اما هرچه به دوران جدید نزدیک می‌شویم انتخاب پوشش سر و کلاه‌ها دقیق‌تر شده است. این امر می‌تواند به دلیل عدم دانش تصویری نگارگران این مجموعه باشد.

۱ واژگان کلیدی

پوشش سر، کلاه، دیوار نگاری حمام، حمام مهدی قلی بیگ، مشهد.



مقدمه

یکی از نمونه‌های معماری ایرانی، معماری حمام است که در دوره‌های مختلف پس از مسجد و مدرسه از مهم‌ترین بناهای شهری بوده است. با توجه به اینکه دیوارنگاری و تزیینات داخلی بناهای معماری به عنوان یکی از اشکال هنری در طول تاریخ همواره از اهمیتی خاص برخوردار بوده است، شاهد نمونه‌هایی از یک هنر ارزنده در این بناها بوده ایم. نقاشی دیواری یکی از هنرهای تجسمی است که از دیوارنگاری غارها به طرح‌هایی روی دیوار کاخ‌ها، حمام‌ها، قهوه‌خانه‌ها و دیوار شهرها مبدل شده است.

قدیمی‌ترین مأخذی که بر استفاده از نقوش در حمام‌ها تأکید دارد، کتاب **مروج الذهب** مسعودی است که از حمام‌های دوره عباسی در بغداد یاد می‌کند. دیوار حمام‌های دوره عباسیان را در بغداد با کتیبه‌ها، نقش‌های جانوران، گیاهان و آدمیان می‌آراستند (مسعودی، ۱۳۸۲: ۲۹). پس از آن تا دوره تیموریان اطلاع دقیقی از معماری حمام و تزیینات آن در دست نیست.

در تزیینات دیوارهای حمام در زمان تیموری، مینیاتورهای این دوره نقش اساسی را ایفا می‌کند. نقاشی‌هایی که از این دوره به جای مانده، صحنه حمام رفتن هارون و مأمون را نشان می‌دهد و تزیینات به زیبایی در نگاره‌ها ترسیم شده است. تزیینات ازاره‌های دوره تیموری متشکل از کاشی‌کاری و ملهم از تزیینات گل و بوته و اسلیمی است. از دوره صفوی به بعد تصاویر جانوران، انسان و گیاهان به تعداد زیاد بر روی کاشی‌های ازاره و آهک‌بری‌های سرپینه‌های حمام‌ها نقش بست. با توجه به اینکه اجرای این نقوش بر روی کاشی هفت رنگ بسیار مطلوب بود؛ از این نوع کاشی به فراوانی در ازاره‌های حمام‌ها استفاده شد و این شیوه تا دوران زندیه و قاجار ادامه یافت (مخلصی، ۱۳۸۲: ۱۰۹). نمونه کم‌نظیر دیوارنگاره‌ها و تزیینات نقاشی حمام‌های دوره صفوی و قاجار را می‌توان در حمام شاه یا مهدی قلی بیگ مشهد مشاهده کرد. نقاشی دیواری راه و روشی است برای برقرارکردن ارتباط با مخاطب از طریق نقاشی. دیوارنگاره‌های متنوعی از عهد قاجار در اماکن عمومی چون حمام‌ها به جای مانده که نمونه آن را در حمام مهدی قلی بیگ مشهد می‌توان دید.

برخی از این دیوارنگاره‌ها که در طی حدود ۴۰۰ سال به طور متوسط هر ۳۰ سال مرمت و بازسازی شده، از نظر موضوعی تغییر کرده است. پوشش نگاره‌ها نیز در طول زمان براساس دوره‌های تاریخی، مختلف و متفاوت است. طبیعتاً پوشش سر و کلاه افراد نیز که موضوع پژوهش حاضر می‌باشد هم بر اساس زمان و روایت نگاره‌ها از گذشته تا کنون شامل تغییراتی شده است که به آن می‌پردازیم.

روش تحقیق

ابتدا از نقاشی‌ها و تصاویر موجود در سقف حمام بادقت و ظرافت عکسبرداری شد. سپس به بررسی نقوش پرداخته شد و با مطالعه کتاب‌های مختلف و تطبیق دادن نقوش، پژوهش تکمیل شد.

تاریخچه

در شهرهای اسلامی حمام در گذرگاه‌های اصلی شهر، راسته بازار و کاخ‌های حکومتی به نحوی ساخته می‌شد که برای تأمین آب بهداشتی و خروج فاضلاب مشکلی به وجود نیاید (مخلصی، ۱۳۸۲: ۱۰۹). حمام مهدی قلی بیگ در زمان خود به «حمام شاه» معروف بوده است و در کنار مقبره امیر ملک‌شاه (مسجد شاه، مسجد هفتادودو تن) در ضلع بیرونی سردر غربی صحن جامع حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام قرار گرفته و از جهت دیگر در خیابان اندرزگو ۱۳ (بازار فرش فروش‌ها) واقع شده است.

این حمام در سال ۱۰۲۷ هجری قمری (۹۸۷ ه. ش) توسط مهدی قلی بیگ، میرآخور شاه عباس صفوی وقف آستان قدس رضوی شده است. مرمت و بازسازی این اثر ارزشمند هنری نزدیک به هفت سال طول می‌کشید تا سرانجام از بنایی مخروبه و رهاشده، در دوره اخیر با تلاش و همکاری متخصصان فنی و حمایت مالی آستان قدس رضوی و اداره کل میراث فرهنگی خراسان شاهکار عصر صفوی دوباره متولد شد.



شکل ۱. نمای بیرونی حمام مهدی قلی بیگ
(از آرشیو نگارنده)

این بنا یکی از بزرگ‌ترین حمام‌های ایران است که وجه تمایزش با دیگر حمام‌ها نظیر حمام گنجعلی خان کرمان و فین کاشان در تزئینات نقاشی‌های موضوعی آن است که با تلاش مرمت کاران از لایه‌های هشتم و بعضاً سیزدهم به دست آمده است. قدیمی‌ترین لایه آن مربوط به دوره صفوی و جدیدترین لایه، متعلق به دوره قاجار است (بانک اطلاعات شهری مشهد).

فضای اصلی حمام شامل سر بینه، میان در و گرمخانه بود و هریک از طریق راهرو و هشتی از فضای دیگر جدا می‌شد تا دما و رطوبت نسبت به فضای مجاور تنظیم شود. بنای حمام شاه مشتمل بر ورودی و راهروی پشت سر آن، سر بینه، گرمخانه و فضاهای مرتبط به آن‌ها می‌باشد. سر بینه آن مربع شکل است که پوشش طاق و گنبدی آن در میانه بر روی چهار جفت ستون قرار گرفته و در اطراف دارای سکون‌های نشیمن و رختکن و در میانه دارای حوضچه است. ستون‌ها از سنگ ساخته شده و با فاصله ۱/۵ متر از یکدیگر قرار گرفته است. زیباترین بخش حمام قسمت سر بینه است و دیوارنگاری‌های آن با رنگ‌بندی و تناسبات خاص در برگزیده مفاهیم فرهنگی و مضامین اخلاقی است که ارزش و جلوه‌گری نقاشی‌ها را دوچندان کرده است. این بنا از جهت تعدد لایه‌های نقاشی که در طول زمان و ادوار تاریخی بر روی یکدیگر کشیده شده دارای ارزش و سبک خاصی است.



شکل ۲. نمای داخلی سرپینه حمام
(از آرشیو نگارنده)

۱ بررسی سبک و موضوعات دیوارنگاره‌های سرپینه حمام

شیوه بیشتر نگاره‌های حمام، همان شیوه نقاشان قهوه‌خانه‌ای است. نقاشی قهوه‌خانه‌ای با جنبش مشروطیت و سنت‌های هنر مردمی و دینی با اثرپذیری از طبیعت نگاری به دست هنرمندانی مکتب ندیده پدید آمد. پژوهندگان، سابقه نقاشی عامیانه را در ایران به عهد صفوی - زمانی که تشیع گسترش زیادی یافت - مربوط می‌دانند (پاکباز، ۱۳۸۳: ۱۹۸). نقاشی قهوه‌خانه‌ای، قدرت تصویرگری هنرمندانی است که با بهره جستن از هنرهای بومی و سنتی، افسانه‌های بومی و ملی را در دل مخاطبان خود زنده نگاه داشته‌اند. عده‌ای منشأ این نوع نقاشی را مربوط به دوران قاجار و عده‌ای نیز آن را با دیوارنگاره‌ها و تابلوهای نقاشی روی گچ دوران پیش از اسلام مقایسه می‌کنند. ریشه‌های این نقاشی را باید در پرده‌های نقاشی و باسمه‌های بازرگانان ارمنی و مبلغان مسیحی در زمان صفویه دانست. تأثیر نقاشی جلفای نو، زمان صفویه در اصفهان نیز در این باره قابل تأمل است (گودرزی، ۱۳۸۴: ۳۳).

به طور کلی نگاره‌های سرپینه حمام مهدی قلی بیگ را به چهار دسته می‌توان تقسیم بندی کرد:

۱- موضوعات حماسی و اسطوره‌ای ۲- موضوعات عاشقانه و عامیانه ۳- نقش‌های تزیینی و صور فلکی

۴- موضوعات اجتماعی و پدیده‌های نوظهور در زندگی مردم.



شکل ۳. گل جام (نورگیر)، سقف سرپینه حمام
(www.eligast.cam)

مختصری درباره انواع پوشش سر و کلاه در ایران

کلاه برای پوشش سر، از پارچه، پوست، نمد، پارچه ابریشم و زربفت، ترمه و... ساخته می‌شود. در گذشته کلاه علاوه بر پوشاندن سر و صورت در مقابل سرما و گرما، جنبه آرایشی و نمایشی نیز داشته است. نوع کلاه‌ها موقعیت طبقاتی و اجتماعی افراد را مشخص می‌کرد. در زیر به اسامی تعدادی از این کلاه‌ها که رایج تر بوده اند اشاره می‌کنیم. تیارا: «کلاهی نمدی است که به شکل تاجی مخروطی بلند و در جلو، برآمده است که دنباله آن به صورت نواری در پشت گردن آویزان است. نگهبانان و خدمت‌گزاران و نیز رئیس نمایندگان خراج‌گزار چنین کلاهی بر سر دارند» (غیبی، ۱۳۸۵: ۸۶).

کلاه ساده: کلاه و پوشش سر مردمان عادی، کلاه دایره‌ای شکل، ساده و بدون تزیینات اضافی است. **تاج:** کلاهی که برای پادشاهان از زر و گوهر می‌ساختند. سرپوش پادشاهان در گذشته به صورت تاج با تزیینات فراوان بوده است، به طوری که کره‌ای فلزی (سمبل قدرت و خورشید) بالای کلاه اصلی گذاشته می‌شده و بعدها کره فلزی در ساختمان تاج به کار رفته است.

دستار و عمامه: دستار، نوار پارچه‌ای که گاهی به طور مطبق مستقیماً به دور سر و یا به دور کلاهی کوچک پیچیده می‌شد. دستار جزو قدیمی ترین پوشش ایرانیان و سرپوش علما و نجبا و بزرگان بود، غلامان حق بستن عمامه نداشتند و فقط کلاهی نمدی بر سر می‌گذاشتند. جنس عمامه از ابریشم و پارچه‌ای اعیانی، ساده، رنگین و طرح‌دار بوده است.

کلاه خود: کلاهی که به هنگام جنگ بر سر می‌گذاشتند و معمولاً جنس آن از فولاد یا آهن بود.

کلاه زنگله: کلاهی چوبی که زنگوله به آن می‌بستند و بر سر گناهکاران می‌گذاشتند تا رسوا شوند.

پوستی: کلاهی که از پوست بره ساخته می‌شود و بیشتر به رنگ سیاه است.

کلاه بوقی: کلاهی که به شکل بوق و نوک تیز ساخته می‌شود.

کلاه گرد و نرم پشمی: نوعی کلاه که چهار گوش است و کشیش‌ها از آن استفاده می‌کنند.

کلاه استوانه‌ای: کلاه بلند، تاج، نیم تاج در ایران باستان.

غولتاش: کلاهی آهنین که سپاهیان در نبرد از آن استفاده می‌کنند (کلاه خود).

کلاه نمدی: کلاهی با لبه کوتاه که شبیه عرقچین تا می‌شود و ارزان‌تر از کلاه‌های دیگر است.

کلاه مقوایی: «کلاه مقوایی از جمله کلاه‌هایی بود که در چند ساله اخیر متداول شده بود و از آن جمله بود کلاه جوجه فکلی‌ها یا کلاه قرتی‌ها که لبه‌ای به پهنای چهار انگشت داشت و طاق آن یک بند انگشت به داخل فرو رفته بود و معمولاً جوان‌های کم سن و سال و بچه تاجرها بر سر می‌گذاشتند و غالباً هم آن را یک ور می‌نهادند. دیگر از نوع همین کلاه، کلاهی از مقوا و ماهوت سیاه با ارتفاعی زیادتر و بالایی جمع‌تر و طاق بدون فرو رفتگی بود که اداری‌ها و منشی‌ها و دفتری‌ها بر سر می‌گذاشتند» (مبینی، ۱۳۹۶: ۱۰۵).

کلاه وزیری: «این کلاه نیز بلندتر و با جنس بهتر دوخته می‌شد و مستوفی‌ها و معاونان و وزرا و سلطنت‌الدوله‌ها از آن استفاده می‌کردند. این همان کلاه مقوایی بود که پیش درآمد کلاه پهلوی شد» (مبینی، ۱۳۹۶: ۱۰۶).

کلاه پهلوی: کلاهی گرد و لبه دار بود که به دستور رضا شاه، همه مردان ایرانی باید به سر می‌گذاشتند.



سرپوش زنان: « زنان سر خود را کاملاً می‌پوشانند و روی آن پارچه‌ای می‌اندازند که روی شانه‌هاشان می‌افتد و از جلو، گردن و گلو و سینه‌هاشان را می‌پوشاند (مقنعه) و آن گاه که آهنگ بیرون رفتن می‌کنند با چادر سفید سراسر اندام خود را از سر تا پا می‌پوشانند و روی شان را چنان زیر نقاب پنهان می‌دارند که جز مردمک چشمان چیزی دیده نمی‌شود. بر اطلاق زنان ایرانی چهار پوشش جداگانه دارند که از دوتای آن‌ها در خانه و از دوتای دیگر بیرون از خانه استفاده می‌کنند. نخست، پوششی روسری مانند که غالباً به منظور آرایش است و تا پشت اندام را می‌پوشاند؛ دوم چارقد که پوششی سه گوشه است میانش را روی سر می‌اندازد و وسط دو دامن آن را زیر ذقن (چانه) به نوعی گره می‌زنند که دو دامن روی سینه را بپوشاند، و دامن سوم پشت سر را مستور بدارد؛ پوشش سوم همان چادر است که سراسر اندام را از سر تا پا می‌پوشاند؛ و پوشش چهارم چیزی شبیه دستمال است که صورت را می‌پوشاند و روی شقیقه بسته می‌شود. روی این روبند آن‌جا که چشم است شبکه‌هایی برای دیدن تعبیه شده است» (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۳۶).

جنس سرپوش زنان بیشتر از ابریشم بوده است.

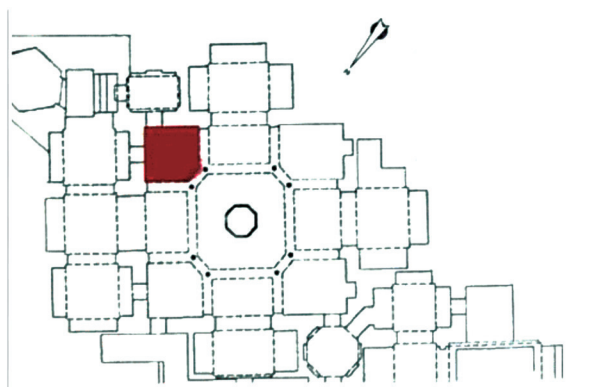
توری و کلاهک: در دوره زندیه و دوره اول سلطنت قاجاریه استفاده می‌شده است. « زنان این دوره توری یا پارچه نازک و زیبایی را به طور آزاد بر روی سر انداخته آن را به وسیله رشته‌های مروارید یا نیم تاج و جقه و پیشانی‌بند و پره‌های زیبا و غیره مانند زنان هندی بر روی سر بند می‌کردند و گوشه‌های آن را که از پشت سر آویخته بود، رها می‌ساختند و گیسوهای بلند خود را نیز بافته به طور آزاد در پشت سر یا روی شانه‌ها می‌ریختند زلف و طره‌ها را روی پیشانی به اشکال گوناگون و قشنگ چیده، مرتب می‌کردند و گاهی نیز یک کلاهک زیر توری بر سر می‌گذاشتند و حاشیه آن را با نگین‌ها و آویزهای ظریف زینت می‌دادند» (ذکاء، ۱۳۳۶: ۱۷۶).

۱ توضیح مختصری درباره موضوع و محل قرارگرفتن نگاره‌ها

باتوجه به اینکه پوششی برای سر در نگاره‌هایی با موضوع اساطیر و صور فلکی و برخی داستان‌ها وجود ندارد، به نگاره‌هایی می‌پردازیم که دارای پوشش سر و کلاه هستند.

۱- نگاره‌ها با موضوعات داستان‌های شاهنامه‌ای و پهلوانی

برای معرفی این نگاره‌ها باید به نگاره‌های شاهنامه‌ای با نام گیسو بانو و پسر فرامرز اشاره کرد. طبق پلان زیر اولین تصاویر که پس از ورود به سرینه حمام با آن روبه‌رو می‌شویم همین نگاره‌ها است (شکل ۴).



شکل ۴. پلان محل نگاره‌های شاهنامه‌ای و پهلوانی در سرینه حمام (کریمی، ۱۳۸۲: ۲۶)

۱-۱- نگاره گیسیا بانو

گیسیا بانو از شخصیت‌های شاهنامه است که هوش و کنجکاوی او همیشه مطرح بوده است. دختر فرامرز و نوه رستم است و خواهر آذر برزین. گیسیا بانو همیشه لباس رزم بر تن داشته و در شاهنامه آمده که شرط ازدواجش مبارزه با خواستگاران بوده است و این زن در شاهنامه به بانوی نقابدار شهرت یافت. این شخصیت بیشتر در نقاشی قهوه خانه ای به تصویر درآمده است (شکل ۵).



شکل ۶. نگاره کشته شدن دیو به دست گیسیا بانو اثر حسین قوللر آقاسی



شکل ۵. نگاره گیسیا بانو، در سربینه حمام (از آرشو نگارنده)

۱-۲- فرامرز پسر رستم

فرامرز از پهلوانان یل ایرانی در شاهنامه، فرزند رستم دستان است. این تصویر در کنار تصویر گیسیا بانو قرار گرفته است. به لحاظ سبک و محتوا این دو تصویر یادآور نقاشی‌های قهوه خانه‌ای است. در سمت پایین قسمت راست کادر این نگاره نیز تصویر فردی که ارتباطی با موضوع ندارد و سمت نگاه او به طرف فرامرز می‌باشد که به نظر می‌رسد بعداً کشیده شده است. کلاه خود سرفرامرز با دو پر تزیین شده که هیبت و جنگاوری او را دوچندان می‌کند (شکل ۷).



شکل ۷. فرامرز پسر رستم، در سربینه حمام (از آرشو نگارنده)

۱-۳- شیرویه با سرهنگ (سیمین عذار)

در داستان‌های حماسی در ادبیات این‌گونه آمده است که شیرویه بیست و سومین شاه ساسانی، پسر خسرو پرویز و نام اصلی او قباد است که به علت عیاشی بسیار به فرمان خسرو پرویز زندانی می‌شود. او تلاش می‌کند تا شیرین همسر پدر خود را به چنگ آورد ولی با همه تلاشش نمی‌تواند و شیرین خودکشی می‌کند و او ناکام می‌ماند. این افسانه در



اصل خلاصه‌ای از حکایت بلند شیرویه نامدار است و از مشهورترین داستان‌های بلند عامیانه است. نویسنده این داستان در قرن سیزده قمری نقیب‌الممالک بوده است (شکل ۸).

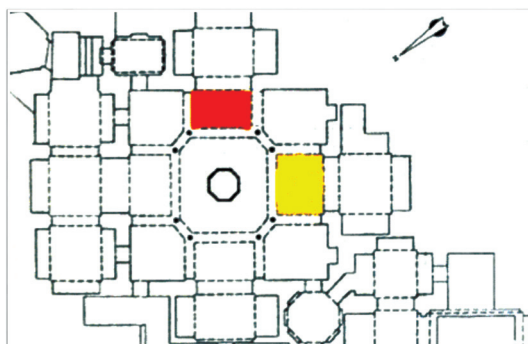
شکل ۸: شیرویه با سرهنگ، سرینه حمام (از آرشبو نگارنده)

جدول ۱: پوشش سردر نگاره‌های مربوط به داستان‌های شاهنامه (نگارنده)

ردیف	موضوع و زمان داستان نگاره	شکل	شکل تطبیقی	توضیحات
۱	نگاره فرامرز پسر رستم پیشدادیان (ساسانیان)			پوشش سر از نوع کلاه خود می باشد که مشابه آن را در نقاشی قهوه‌خانه‌ای بسیار می بینیم. استفاده از دو پر در کلاه در نقاشی قهوه‌خانه‌ای بیشتر به چشم می خورد که احتمالاً الگوی نگارگر بوده است. جنس آن از آهن و با تزیینات ساده است.
۲	نگاره فرامرز پسر رستم (تصویر خدمتکار فرامرز در حال آوردن نوشیدنی) پیشدادیان (ساسانیان)			پوشش سر از نوع کلاه ساده می باشد. با توجه به تصویر تطبیقی که نگاره ای از شاهنامه طهماسبی دوره صفوی است و معمولاً خدمتکاران و افراد عادی از آن استفاده می کرده اند. جنس آن از نمد است.
۳	نگاره گیسیا بانو پیشدادیان (ساسانیان)			پوشش سر از نوع کلاه خود است که مشابه آن را در نقاشی قهوه‌خانه‌ای می بینیم. در این نقاشی‌ها دو شاخ و یک پر بالای کلاه خود قرار دارد که احتمالاً نگارگر می خواسته آن را به تصویر بکشد و از آن الگو بگیرد. جنس آن از آهن و با تزیینات ساده است.
۴	نگاره شیرویه با سرهنگ پیشدادیان (ساسانیان)			پوشش سر از نوع کلاه خود است که مشابه آن را با کمی تغییر در نقاشی دوره ایلخانیان و تیموریان می بینیم. جنس آن شبیه به نوعی فلز و با تزیینات ساده است.

۲- نگاره‌ها با موضوعات قصه‌ها و داستان‌های عامیانه

نگاره‌های به کاررفته در این حمام با این موضوعات شامل دو داستان است. ۱- نوش آفرین (قسمت نارنجی رنگ) ۲- شیرویه با سرهنگ (قسمت زرد رنگ) در پلان زیر مکان آن مشخص شده است. (شکل ۹)



شکل ۹. پلان محل نگاره‌های قصه‌ها و داستان‌های عامیانه، در سرپینه حمام. از پلان نصب شده در محل حمام مهدی قلی بیگ (موزه مردم‌شناسی آستان قدس رضوی)

داستان نوش آفرین گوهرتاج و شیرویه با سرهنگ از داستان‌های رایج و محبوب دوره قاجار است.

۲-۱- نوش آفرین گوهرتاج

قصه نوش آفرین از قصه‌های عامیانه و مردم‌پسند فارسی است که قدمت آن به قرن‌های ۱۱ و ۱۲ هجری یعنی روزگار صفویان مربوط است. موضوع این نگاره از داستان‌های جذاب و رایج دوره قاجار نیز می‌باشد. این داستان روایت شاه‌دخت را بیان می‌کند که از بین خواستگاران خود دل به شاهزاده‌ای از چین می‌دهد و در ادامه داستان به دست دیو ربوده می‌شود و در قصری پنهان می‌گردد. ملک ابراهیم که دل داده و خواستگار اوست برای پیدا کردن و رهایی او از دست دیو، سوار بر مرغی به نام «رخ» می‌شود و بعد از جنگیدن با سه دیو با نام‌های مختلف به قصر رفته دل داده خود را می‌یابد و سرانجام با هم ازدواج می‌کنند (شکل ۱۰).



شکل ۱۱. جنگیدن ملک ابراهیم با دیو، سرپینه حمام (از آرشیو نگارنده)



شکل ۱۰. دزدیده شدن نوش آفرین توسط دیو، در سرپینه حمام (از آرشیو نگارنده)

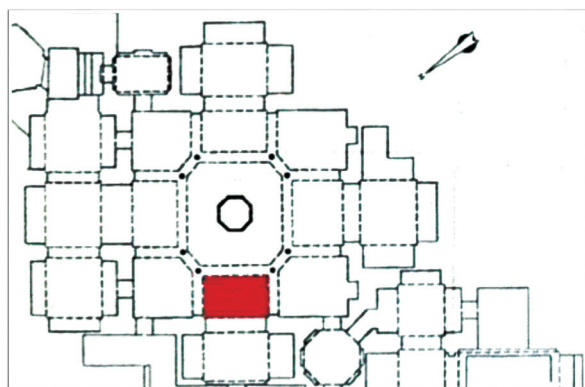
در این نگاره در بین دو شخصیت داستانی قاب هندسی متفاوت از قاب‌های به کار برده شده اسم در دیگر نگاره‌هاست (شکل ۱۱). این داستان از داستان‌های ایران قدیم است که طبق مدارک می‌توان گفت که قدمت آن به روزگار صفویه می‌رسد.

جدول ۲: پوشش سردر نگاره‌های مربوط به داستان‌های عامیانه (نگارنده)

ردیف	موضوع و زمان داستان نگاره	شکل	شکل تطبیقی	توضیحات
۱	نگاره دزدیده شدن نوش‌آفرین توسط دیو (تصویر ملک ابراهیم در پی نوش‌آفرین) (زمان نامعلوم (افسانه))			پوشش سر از نوع تاج است که مشابه آن را در نگاره‌ای از دقائق الحقایق دوره قاجار می‌بینیم. این تاج از جنس طلا و مرصع بوده، پوشش سر پادشاهان و طبقه حاکم در نگارگری ایرانی و نشانگر قدرت شاهان در دوره‌های مختلف بوده است.
۲	نگاره جنگیدن ملک ابراهیم با دیو (تصویر غلام ملک ابراهیم) (زمان نامعلوم (افسانه))			پوشش سر از نوع کلاه بوقی است که مشابه آن را در نگاره‌ای از شاهنامه طهماسبی می‌بینیم. این پوشش در نگارگری ایرانی برای غلامان و کنیزان و طبقه فرو دست جامعه استفاده می‌شده است. جنس آن از پشم یا نمد و بدون تزیینات است.

۳- نگاره‌ها با داستان‌های خمسه نظامی

موضوع این نگاره‌ها، عاشقانه و از شمار ادبیات فارسی است. در یک طاق هر دو نگاره روبه‌روی هم کشیده شده است. در پلان زیر محل قرار گرفتن این نگاره‌ها مشخص می‌شود. (شکل ۱۲)



شکل ۱۲. پلان محل نگاره‌های داستان‌های خمسه نظامی، در سرپینه حمام. از پلان نصب شده در محل حمام مهدی قلی بیگ (موزه مردم‌شناسی آستان قدس رضوی)

۳-۱- بهرام گور و کنیزک

این روایت داستانی از خمسه نظامی است. بهرام گور یا بهرام پنجم از سال ۴۲۱ تا ۴۳۸ میلادی پادشاه ساسانی بوده است. «در افسانه‌ها و ادبیات و فرهنگ عامه ایرانی به عنوان یک قهرمان خوش‌گذران و بیشتر از همه برای شکارهای دیدنی‌اش شهرت دارد. ویژگی افسانه‌ای تیراندازی بهرام گور بارها در حکایت مربوط به او و کنیز محبوبش به تصویر کشیده شده است. داستانی که در آن کنیز پادشاه را به این شکل به چالش می‌کشد که اگر واقعاً توانمند و قهار است، با پرتاب یک تیر از کمان، گوش و پای گورخری را به هم بدوزد» (مارزلف، ۱۳۹۴: ۳۶۳).

بهرام با پرتاب تیری سم و گوش حیوان را به هم می‌دوزد. کنیز به جای ستایش کردن بهرام با جمله‌ای که اگر ممارست و مداومت در هرکاری باشد، مسلماً انسان کارآزموده و ورزیده می‌شود موجب خشم بهرام می‌شود و پادشاه به سرهنگی که همیشه در رکاب او بوده دستور قتل کنیز را می‌دهد. سرهنگ با التماس کنیزک، او را به قصری خارج از شهر می‌برد. کنیز در آن قصر هر روز گوساله تازه متولدشده‌ای را از پلکان قصر که ۶۰ پله دارد، بالا می‌برد و پایین می‌آورد. روزی بهرام به همراه سرهنگ به قصر می‌رود و با این صحنه روبه‌رو شده و جویای مطلب می‌شود. کنیز می‌گوید اگر در هر کاری ممارست باشد، مسلماً انسان کارآزموده و ورزیده می‌شود. پادشاه با شنیدن این جمله متوجه می‌شود که این همان کنیزک است و او را در کنار خود می‌گیرد و سرهنگ را که در کشتن آن شتاب زده عمل نکرده است مورد ستایش قرار می‌دهد (شکل ۱۳).



شکل ۱۳. بهرام گور و کنیزک، سرینه حمام
(از آرشبو نگارنده)

۲-۳- شیرین و فرهاد

منظومه عاشقانه ناتمام در قالب مثنوی ۱۰۷۰ بیت از وحشی بافقی است که به تقلید از خسرو و شیرین نظامی سروده شده است. نقاشی در حمام به نظر می‌رسد اشاره به (رفتن شیرین به کوه بیستون و سقط شدن اسب وی) در اثر نظامی گنجوی دارد. (رحیمی، ۱۳۹۸: ۱۷) (شکل ۱۴).



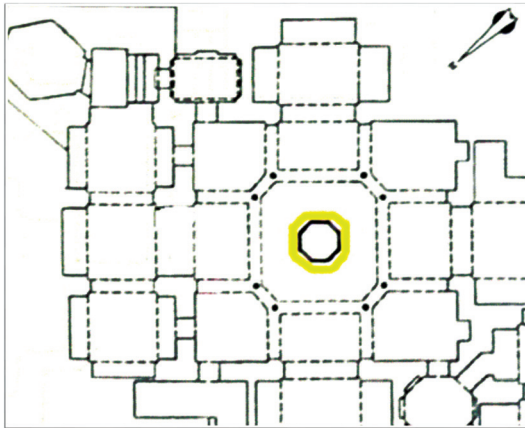
شکل ۱۴. شیرین و فرهاد، سربینه حمام (از آرشبو نگارنده)

جدول ۳: پوشش سردر نگاره‌های مربوط به داستان‌های خمسه نظامی (نگارنده)

ردیف	موضوع و زمان داستان نگاره	تصویر	تصویر تطبیقی	توضیحات
۱	نگاره بهرام گور و کنیزک (سرهنگ، رکاب دار شاه) ساسانیان			پوشش سر از نوع کلاه وزیری است. با توجه به تصویر تطبیقی نقاشی رنگ روغن اثر صنایع الملک دوره قاجار است و معمولاً معاونان و وزرا از آن استفاده می‌کرده‌اند. جنس آن از پوست است.
۲	نگاره شیرین و فرهاد (شیرین سوار بر اسب) قاجاریه			پوشش سر از نوع چادر است. با توجه به تصویر تطبیقی نگارگری اثر رضا عباسی دوره صفوی است و زنان برای پوشاندن سر خود از آن استفاده می‌کرده‌اند. جنس آن از ابریشم است.

۴- نگاره‌های پایه و داخل گنبد مرکزی

در ابتدا و بالای ستون‌های مرکزی نگاره‌هایی به تصویر کشیده شده است. در پلان زیر محل قرار گرفتن این نگاره‌ها مشخص می‌شود. تصویر زن و مردهایی که دو به دو در پایه ستون‌ها کشیده شده و موضوع خاصی در آن‌ها دیده نمی‌شود (شکل ۱۵).



شکل ۱۵. پلان محل نگاره‌های پایه گنبد مرکزی، در سرپینه حمام

در قسمت داخلی گنبد مرکزی دور تا دور نورگیر سقف شاهد نقوشی هستیم که موضوع مشخصی را به تصویر کشیده است در این جا تصاویری می‌بینیم از کالسکه، دوچرخه، هواپیما، تفنگ و اتومبیلی با پرچم روسیه و... زمان کشیده شدن این تصاویر به احتمال زیاد به اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی اول مربوط می‌شود. افرادی را با پوشش سنتی قاجار و لباس و کلاه فرنگی و کروات می‌بینیم. نمایی از کوهسنگی مشهد، میدان اعدام، باغ ملی و پرندگانی را می‌بینیم که با تکرار آن‌ها در دور گنبد حرکت را القا می‌کنند. به نظر می‌رسد پوشش سر و کلاه در این تصاویر بسیار به واقعیت آن زمان نزدیک‌تر است. چون نقاش همین پوشش را که در جامعه دیده به صورت عینی به تصویر کشیده است (شکل ۱۶).



شکل ۱۶. نگاره‌های پایه و داخل گنبد مرکزی حمام (از آرشیو نگارنده)

جدول ۴: پوشش سردر نگاره‌های مربوط به نگاره‌های پایه و داخل گنبد مرکزی (نگارنده)

ردیف	موضوع و زمان داستان نگاره	تصویر	تصویر تطبیقی	توضیحات
۱	موضوع (نامعلوم) قاجاریه			پوشش سر از نوع دستار است. که مشابه آن را در نگاره‌ای از شاهنامه طهماسبی می‌بینیم. این پوشش در نگارگری ایرانی برای علما و نجبا و بزرگان استفاده می‌شده است. جنس آن از ابریشم و بدون تزیینات است.
۲	موضوع (نامعلوم) قاجاریه			پوشش سر از نوع کلاه وزیری است. با توجه به تصویر تطبیقی نقاشی رنگ‌روغن اثر صنایع‌الملک دوره قاجار است و معمولاً معاونان و وزرا از آن استفاده می‌کرده‌اند. جنس آن از مقوا و ماهوت سیاه است.
۳	موضوع (نامعلوم) قاجاریه			پوشش سر بانوی جوان از نوع کلاهک و توری است. پوشش سر مرد جوان از نوع کلاه وزیری می‌باشد و با توجه به تصویر تطبیقی نقاشی رنگ‌روغن اثر صنایع‌الملک دوره قاجار است و معمولاً مستوفی‌ها و معاونان و وزرا و سلطنت‌الدوله‌ها از آن استفاده می‌کرده‌اند. جنس آن از مقوا و ماهوت است.

۱ تحلیل و بررسی پوشش سر در نگاره‌های حمام

از آن جایی که شیوه نقاشی نگاره‌های حمام، همان شیوه نقاشی قهوه‌خانه‌ای است و این نقاشان مکتب ندیده بوده‌اند، طبیعتاً نمی‌توان انتظار داشت دقت و احتیاطی را که نگارگران با تجربه در دوره‌های صفوی و ماقبل برای به تصویر کشیدن واقعیت جامعه و یا داستان‌ها و اساطیر داشته‌اند، رعایت کرده باشند. به طور مثال در نگاره گیسیا بانو پوشش کلاه خود را به شکل خاصی می‌بینیم که معمولاً در نگاره‌های گذشته و همان زمان نمی‌بینیم. بالای کلاه خود دو زائده می‌بینیم که نه به پر شباهت دارد و نه به شاخ. در نگاره‌ای از استاد حسین قوللر آقاسی از دو شاخ در بالای کلاه خود گیسیا بانو استفاده شده است (جدول شماره ۱).

در نگاره دیگری که از فرامرزیل پسر رستم به تصویر درآمده است دو پر بالای کلاه خود دیده می‌شود. در نقاشی قهوه‌خانه‌ای برای نشان دادن فرماندهان، بزرگان لشکر و مهم‌ترین شخصیت‌های داستان نیز از دو پر بالای کلاه خود استفاده می‌شده است. به نظر می‌رسد که نگارگر یا این تصاویر را بر روی پرده‌های قهوه‌خانه‌ای دیده یا خود از نقاشان قهوه‌خانه‌ای بوده که به صورت ذهنی آن را کشیده است (جدول شماره ۱).

نوع کلاه در نگارگری ایرانی برای نشان دادن طبقه اجتماعی نیز به کار رفته است. مثلاً در نگاره فرامرزیل، خدمتکار او را با کلاهی ساده از جنس نمد می‌بینیم که از این کلاه در نگاره‌های شاهنامه طهماسبی و سایر نقاشان دوره صفویه استفاده شده است (جدول شماره ۱). یا در نگاره نبرد ملک ابراهیم، غلام او را با کلاهی بوقی و نوک‌تیز می‌بینیم که عموماً در نگاره‌های ایرانی برای غلامان، نگهبانان و ملازمان استفاده می‌شده است. احتمالاً افراد جامعه دوره صفوی نیز از این نوع پوشش سر استفاده می‌کرده‌اند (جدول شماره ۲).

در نگاره نبرد شیرویه با سرهنگ، شخصیت سرهنگ را با کلاهی که مشابه کلاه دوره ایلخانان و تیموریان است می‌بینیم. دو احتمال را برای استفاده از کلاه دوره ایلخانی و تیموریان می‌توان مورد بررسی قرار داد. ۱- با توجه به اینکه شهر مشهد مورد توجه فرزندان تیمور از جمله شاهرخ و همسر او گوهرشادخاتون بوده است، استفاده از کلاهی به شکل کلاه ایلخانان و تیموریان احتمالاً به این دلیل می‌باشد و امکان اینکه استفاده از این نوع پوشش سر، تا دوره زمان نقاشی آن رواج داشته، دور از ذهن نیست. ۲- احتمال دیگری را نیز می‌توانیم متصور شویم، داستان نبرد شیرویه و سرهنگ جزو داستان‌های حماسی و عامیانه آن زمان بوده است. نگارگر بخاطر اینکه بخواهد فاصله زمانی و قدمت داستان را نشان دهد از کلاهی استفاده کرده که در آن دوران کم‌تر استفاده می‌شده و یا منسوخ شده است (جدول شماره ۱).

در نگاره بهرام گور و کنیزک تصویری از همراهان شاه با کلاه وزیری از جنس پوست کشیده شده است. از این نوع کلاه، مستوفی‌ها و معاونان و وزرا و سلطنت‌الدوله‌ها استفاده می‌کردند. استفاده از این نوع کلاه از دوره قاجاریه مرسوم شده است. با توجه به اینکه داستان بهرام گور در زمان ساسانیان بوده است از نظر تاریخی این کلاه ربطی به موضوع ندارد و نگارگر در این زمینه برای نشان دادن شخصیت همراهان شاه از کلاه مرسوم در دوره خود استفاده کرده است. دو احتمال را می‌توان در این مورد در نظر گرفت. ۱- نگارگر سواد کافی برای نشان دادن شخصیت وزیر و همراه پادشاه ساسانی نداشته است و به این سبب از نماد کلاه وزیران دوره قاجار استفاده کرده است. ۲- نگارگر این کلاه را در نگاره‌های مشابه دوره قاجار دیده و همان را برای ارائه شخصیت وزیر و ملازم پادشاه استفاده کرده است (جدول شماره ۳).

در نگاره شیرین و فرهاد (شیرین سوار بر اسب)، پوشش سر شیرین چادر می‌باشد که سر تا پای او را پوشانده است. پوشش چادر از دوره‌های پیشین مورد استفاده زنان بوده و بیشتر در بیرون از خانه از آن استفاده می‌کردند. پوشش‌های سر زنان، عبارتند از، چادر، روسری یا لچک، مقنعه و... نگارگران دوران صفوی و پیش از آن نوع پوشش‌ها را در نگاره‌های خود به کار برده‌اند و در این نگاره نیز نقاش چادر را برای پوشش سر شیرین مناسب دانسته، انتخاب کرده و به تصویر کشیده است (جدول شماره ۳).

در نگاره‌های پایه گنبد در یکی از نگاره‌ها دو شخص با دو سر پوش متفاوت در کنار هم هستند. نگارگر برسر یکی از افراد عمامه گذاشته و عمامه سرپوش علما و نجبا و بزرگان بوده است و بر سر فرد دیگر کلاه وزیری که معمولاً معاونان و وزرا از آن استفاده می‌کرده‌اند. در این نگاره این دو در حال گفت‌وگو و مشورت با همدیگر دیده می‌شوند. این نشان دهنده آن است که نگارگر می‌خواسته نشان دهد، نوع کلاه با توجه به وضعیت اجتماعی افراد متفاوت است (جدول شماره ۴).



در نگاره‌های پایه و داخل گنبد مرکزی حمام تصاویری از اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول می‌بینیم که می‌خواسته‌اند پیشرفت فن‌آوری را از قبیل، ورود هواپیما، دوچرخه، گرامافون و بالن و ... نشان دهند که از مظاهر دنیای مدرن‌اند. در بیشتر این تصاویر پوشش سر برای مردان از نوع کلاه پهلوی و برای زنان از نوع کلاهک و توری است (جدول شماره ۴).

جنس کلاه پهلوی از مقوا و ماهوت سیاه بوده است. در این تصاویر، نگارگر به دلیل وجود معادل بیرونی کلاه در جامعه آن روز تصاویر را از نظر هم زمانی موضوع و پوشش سر کاملاً درست به تصویر کشیده است. این نشانگر آن است همان‌طور که جامعه آن روز نوعی گرایش به تمدن جدید داشته، احتمالاً از نظر مد نیز با این گرایش همسو بوده است.

۱ نتیجه‌گیری

نگاره‌های موجود در حمام مهدی قلی بیگ مجموعه‌ای از داستان‌های عامیانه، حماسی، تاریخی و ورود به زندگی مدرن است. به همین دلیل از نظر پوشش سر و کلاه می‌توانیم نمونه‌های بسیار زیبایی را از دوران‌های صفوی، قاجار و پهلوی در آن مشاهده کنیم. با توجه به تحلیلی که ارائه شد در نگاره‌هایی که در آن داستان‌های حماسی و عامیانه به تصویر درآمده است کلاه‌ها، کلاه‌خودها و پوشش‌های سر از نظر زمانی به نگاره‌های دوران ایلخانی و صفوی و قاجاریه نزدیک است. الگوی نگارگر در به تصویر کشیدن پوشش سر در بیشتر نگاره‌ها همان الگوی نقاشی قهوه‌خانه‌ای بوده است؛ اما در بعضی از نگاره‌ها شاهد آن هستیم که پوشش سر اصلاً هیچ‌گونه ارتباطی به زمان داستان‌ها ندارد. این امر نشان‌دهنده آن است که نگارگران این مجموعه دانش کافی و دقت برای به تصویر کشیدن پوشش سر هم‌زمان داستان‌ها را نداشته‌اند و از الگوهای موجود در نگاره‌های زمان خود بهره برده‌اند. علت دیگر این امر را می‌توان نوعی همزادپنداری با شخصیت‌های داستان‌ها به صورت ناخودآگاه یا خودآگاه دانست. همچنان که ما در نقاشی قهوه‌خانه‌ای نیز شاهد این امر بوده‌ایم. در جایی که رستم که پهلوان اسطوره‌ای باستانی ایران است؛ پوششی مانند امامان معصوم در جنگ‌های روایت شده بر پرده‌ها را دارد که حتی این پوشش از نظر تاریخی هم ربطی به زمان آن اتفاقات ندارد و نقاش قهوه‌خانه بیشتر از روی نگاره‌های دوره صفوی و یا مراسم تعزیه‌خوانی آن‌ها را به تصویر کشیده است.

تنها جایی که ما استفاده درست و دقیق را از پوشش سر در نگاره‌های حمام می‌بینیم تصاویر جدید مربوط به زندگی مدرن است. در آن زمان بیشتر از کلاه پهلوی استفاده می‌شده است. می‌توانیم این نتیجه را بگیریم که هرگاه نقاش قهوه‌خانه‌ای از نظر عینی تصویری اجتماعی در برابر خود داشته باشد هرگز به ذهن و تخیل خود رجوع نمی‌کند و عیناً در نگاره‌هایش از آن عینیت‌ها استفاده می‌کند. به همین دلیل است که هرچه به نگاره‌های دوران جدید نزدیک می‌شویم انتخاب پوشش سر و کلاه‌ها دقیق‌تر شده است.

۱ منابع

۱. پاکباز، رویین، ۱۳۸۳، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، چاپ سوم، تهران: نشر زرین.
۲. پور اکبر، آرش، ۱۳۳۶، فالنامه شاه طهماسبی، فرهنگستان هنر.
۳. ذکاء، یحیی، ۱۳۳۶، لباس زنان از قرن سیزدهم تا به امروز، اداره کل هنرهای زیبا.
۴. رحیمی، فرید، ۱۳۹۸، سیر تحول موضوعی دیوارنگاره‌های حمام مهدی قلی بیگ مشهد، اولین همایش بین‌المللی و پنجمین همایش ملی معماری و شهر پایدار.
۵. شهشهانی، سهیلا، ۱۳۷۴، تاریخچه پوشش سر در ایران، مؤسسه انتشارات مدبر.
۶. غیبی، مهرآسا، ۱۳۸۷، تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، هیرمند، چاپ نهم.
۷. کری و لث، استوارت، ۱۳۹۸، نقاشی ایرانی نسخه نگاره‌های عهد صفوی، ترجمه احمد رضا تقاء، فرهنگستان هنر.
۸. مازرلف، اولریش، ۱۳۹۴، تصویرسازی داستانی در کتاب‌های چاپ سنگی فارسی، انتشارات نظر.
۹. مبینی، مهتاب و اعظم اسدی، ۱۳۹۶، سیری در مد و لباس دوره قاجار، انتشارات مرکب سپید.
۱۰. مخلصی، محمد علی، ۱۳۸۲، تزیینات و آرایه حمام. انتشارات ماه هنر، ارجاع به مقاله،
۱۱. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ۱۳۸۲، ر.ک: جلد ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، نشر کتاب.
۱۲. «موزه مردم‌شناسی حمام مهدی قلی بیگ»، بانک اطلاعات شهری مشهد www.mashhadmtm.com.
۱۳. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران www.iich.ir.

